

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۳	پیشگفتار
۱۹	مقدمه
۲۳	انگار سالهاست مرا می شناسد
۲۵	صمیمی و دوست داشتنی
۲۷	گذشت و بزرگواری
۳۱	استفاده از تجربیات
۳۳	پیش قدم در بار زدن
۳۴	عزت نفس
۳۶	کسر شأن!
۳۸	جارو می کشید!
۳۹	فرمانده، هم او بود
۴۱	پیشی در سلام

۴۲	آبِ تِهت
۴۳	نشانه‌ها
۴۶	نوکر بچه‌ها
۴۹	از اصطلاحات بی‌زارم
۵۰	در تاریکی شب
۵۳	دوست ندارم ناراحتی دیگران را ببینم
۵۵	چوب محکم!
۵۷	من از شما ممنونم
۶۱	هیچ تغییری نکرد
۶۴	افتخار خدمت به بچه‌های جبهه
۶۷	هم صحبت
۷۰	جلوتر از دیگران نمی‌ایستاد
۷۳	دلجویی از خطاکار
۷۶	در تاریکی شب
۷۸	من نوکر بسیجی‌ها هستم
۸۷	پرهیز از تشریفات
۸۹	همیشه پیشقدم
۹۲	چاه‌کن
۹۴	اظهار نمی‌کرد
۹۵	فروتنی در برابر پدر و مادر
۹۶	این وزیر بود؟
۹۸	من و شما نداریم
۹۹	حالیّت
۱۰۰	من سلام می‌کنم!
۱۰۲	به ملاقات مجروحان دیگر بروید

- ۱۰۳ روی بار کامیون!
- ۱۰۵ بی‌ریا
- ۱۰۶ چرا کنار میز؟
- ۱۰۷ خجالت‌زده
- ۱۰۸ گفتگوی خودمانی
- ۱۰۹ محل خدمت مهم نیست؛ نیاز، مهم است
- ۱۱۰ از تمجید خوشش نمی‌آمد
- ۱۱۴ بخشش
- ۱۱۵ چهره‌ی خندان و صمیمی
- ۱۱۶ من هیچ کارهام
- ۱۲۱ تواضع مردمی، اقتدار نظامی
- ۱۲۲ دست اخلاص
- ۱۲۳ هیچ تفاوتی نکرد
- ۱۲۴ فرمانده کجاست؟
- ۱۲۶ بله سربازم
- ۱۲۸ لباس مقدس
- ۱۲۹ کارگر می‌خواهی؟
- ۱۳۰ جاروی درون
- ۱۳۱ صبح زود
- ۱۳۲ مشغول نظافت
- ۱۳۳ خودش کارهایش را انجام می‌داد
- ۱۳۵ با فروتنی گوش می‌داد و تواضع می‌کرد
- ۱۳۶ خدمتگزار ساده!
- ۱۳۷ دوست دارم گمنام بمانم
- ۱۳۸ خودش عقب ماشین می‌نشست

۱۴۰ جمع‌آوری زیباها
۱۴۲ ما کوچکتیم
۱۴۳ برویچه‌های پابرهنه!
۱۴۴ مهربانی و ملاطفت
۱۴۸ سهمیه!
۱۴۹ پرهیز از تهمت و افترا و غیبت
۱۵۰ خود را گم نکنید
۱۵۳ زیر دست و بالا دست
۱۵۵ پای رزمنده را بوسید!
۱۶۰ بدون تکبر
۱۶۲ نگهبانی، مثل یک بسیجی ساده
۱۶۳ لباس خاکی
۱۶۴ مثل یک رزمنده‌ی ساده
۱۶۵ همدلی
۱۶۶ بالای طاق نصرت
۱۶۹ سعی بیشتری خواهیم کرد
۱۷۰ حالا شد!
۱۷۲ شما کی هستید؟
۱۷۶ مگر او کی بود؟
۱۷۷ سختترین کارها را خود انجام می‌داد
۱۷۹ لذت تمام
۱۸۰ مگر چه فرقی با بقیه دارم؟
۱۸۶ چند تا بخیه چیزیه؟!
۱۸۷ ادب و احترام
۱۸۸ حلقه‌ی گل

۱۸۹	پایین تر از همه
۱۹۰	تازه متوجه شدیم که ...
۱۹۱	من یک بسیجی ام!
۱۹۲	اجازه نداد
۱۹۳	خونسرد
۱۹۴	باور نکردنی
۱۹۵	مگر من کی ام؟
۱۹۶	چشم، الان می آیم
۲۰۵	چیزی نمی گفت!
۲۰۶	خود را فرو می کشید تا بلندتر نباشد!
۲۰۷	کلاغ یر
۲۰۹	دنیای ادب
۲۱۰	در خط مقدم بزرگتر، در سایر مواقع کوچکتر
۲۱۴	هراس از غرور
۲۱۵	هر جا خالی بود می نشست
۲۱۶	ایستاده ای تو صف غذا؟
۲۱۷	یک بسیجی ساده ام
۲۱۸	خجالت زده
۲۲۲	غذایی غیر از غذای بچه ها نخواهم خورد
۲۲۳	نصیحت کننده باید عامل باشد
۲۲۴	دوست ندارم معرفی شوم
۲۲۶	ما اینجا کارگریم!
۲۳۳	یک ناخن کمتر
۲۳۴	از خجالت خشک شدم
۲۳۵	شیمیایی شدنش را پنهان می کرد

۲۳۶ قسمت
۲۳۷ خونسردی و محبت
۲۳۹ صمیمانه
۲۴۱ قصه‌ی هیچ
۲۴۵ مسئولیت کوچک!
۲۴۶ رفتگر را در آغوش می‌گرفت
۲۴۸ به احترام بسیجیان
۲۵۱ روی کاهگل‌ها
۲۵۳ پرهیز از عصبانیت
۲۵۴ گمنام
۲۵۷ سه روز دیگر هم
۲۵۸ بی‌تعریف و کم حرف
۲۵۹ پرهیز از قدرت‌نمایی
۲۶۴ نمی‌شد تشخیص داد فرمانده کیست
۲۶۵ افتادگی و خضوع
۲۶۶ نیک‌نام
۲۷۲ اشکالی ندارد
۲۷۳ آن موقع گیلان می‌خورم
۲۷۴ آنها هم انسانند
۲۷۵ زیر تکه‌ای گونی
۲۷۶ پزشک امدادگر!
۲۷۷ همپای رزمندگان
۲۷۸ تَن ماهی نخورد
۲۷۹ انکار کرد
۲۸۱ کار برای خدا

۲۸۳	نگاه جستجوگر
۲۸۴	قبل از همه
۲۸۵	بی‌ریا
۲۸۶	شب‌ها، کار او شروع می‌شد
۲۸۷	مهر پدران
۲۹۰	هیزم‌های خیس
۲۹۲	خدمت برای اسلام
۲۹۳	ادب و فرمان
۲۹۵	بنده‌ی خدا
۲۹۶	حلال‌کن
۲۹۷	کنار مردم
۲۹۸	او را خشمگین و عصبانی ندیدم
۳۰۰	این پول را بگیر لازم می‌شود
۳۰۴	آماده برای یک روز تازه
۳۰۶	روح با صفا
۳۰۷	بی‌محافظ
۳۰۸	سوغات
۳۱۰	سرش را بلند نکرد
۳۱۲	فیلمبردار
۳۱۳	شهادت و ما
۳۱۵	منابع





پیشگفتار

خاطرات دفاع مقدس غالباً در پاکترین لحظات زندگی صاحبان خاطره رخ داده، لذا شایسته است آن لحظه‌های غنیمت ثبت و منتشر شود. آن لحظه‌ها، همان حلقه‌هایی است که بشر سردرگم امروز را می‌تواند به "صراط‌الذین انعمت علیهم" که مصداق کامل آن ائمه‌ی معصومین علیهم السلام هستند، واصل نماید.

صاحبان خاطرات دفاع مقدس ثابت کردند که می‌شود پس از هزار و چهار صد سال سرکوب اسلام، به رهنمود خلیفه‌الله ساز خلیفه‌ی به حق خدا حضرت علی علیه‌السلام جامه‌ی عمل پوشاند که فرمود: *أَعْيُنُونِي بِوَرَعٍ وَاجْتِهَادٍ وَعِفَّةٍ وَسِدَادٍ*.

با پرهیزکاری و تلاش فراوان و پاکدامنی و راستی مرا یاری دهید.
(نهج‌البلاغه/نامه‌ه ۴)

وقتی مربی مردان دفاع مقدس، بزرگمردی است که با پرهیز از پا گذاشتن بر روی کفش طلاب در هنگام ورود به حجره‌ی تدریس، از مویرگ ظلم دوری می‌کند، بالطبع محصول این مکتب روح الهی باید مردانی باشند که در لحظات اضطراری ورود به میدان مین، پیراهن از تن به در کنند که؛ اگرچه ما رفتنی هستیم، اما چرا لباس بیت‌المال تکه‌تکه شود!

آنان اثبات کردند؛ می‌شود سیره‌ی جهاد اکبر و اصغر را توأم با هم در صورت جوان قرن بیستم متجلی کرد. به شرط آن که با عمل و نه زبان تنها (کونوا دعاة الناس بغير السننکم) به اسلام دعوت شده باشند.

مجموعه کتب سیره‌ی شهدای دفاع مقدس، حاوی گلچینی از خاطرات راویان در خصوص آن سفر کردگان دیار هستی است که در طول سال‌های گذشته توسط ناشران مختلف به زیور طبع آراسته شده است.

انگیزه‌ی مؤسسه‌ی فرهنگی هنری قدر ولایت از انجام این پروژه اهداف زیر است:

۱- بسیاری از کتب دفاع مقدس در سالهای گذشته و تنها برای یک بار به چاپ رسیده و در همان سال‌ها نیز عرضه شده است. لذا مخاطبین امروز از دستیابی به آن کتب و خاطرات محرومند. در حالی که اهمیت آن به دلیل نزدیکی نقل خاطره به زمان رویداد، بیشتر از خاطراتی است که هم‌اکنون نقل می‌شود.

این پروژه با جستجوی کتب مذکور، بخش عظیمی از خاطرات ناب شهیدان گرانقدر را دوباره احیا نموده و ماندگار کرده است.

۲- خاطرات دفاع مقدس دستمایه‌ای متعالی و فوق‌العاده مستعد برای خلق آثار ادبی و هنری از جمله داستان، نمایشنامه، رمان، شعر، فیلمنامه و غیره است. گزینش خاطرات خوب و نیز دسته‌بندی موضوعی آن، ادبا و هنرمندان و نیز پژوهشگران این عرصه را از جستجوی زمان‌بر و نامنظم بی‌نیاز کرده است.

۳- شهدای گرانقدر دفاع مقدس با تمسک به آیه‌ی شریفه‌ی «لقد کان لکم فی رسول الله اسوةً حسنه» نزدیک‌ترین افراد به خلق و خوی محمدی صلی الله علیه و آله و سلم بودند. لذا اهل منابر و مربیان تربیتی برای اتصال آسان جامعه به سیره‌ی نبوی، می‌توانند از خاطرات شهدا به عنوان شاهد مثال بهره‌برداری نمایند.

مهمترین وجه امتیاز خاطرات مذکور، به روز بودن آن و نیز امکان قوی همذات‌پنداری مخاطب با شهدای معاصر است. این کتب، امکان انتخاب خاطرات ناب، موجز و موضوعی را برای صاحبان کرسی‌های موعظه آسان کرده است.

۴- زنده نگه داشتن یاد و خاطره شهیدان- به فرموده‌ی رهبر معظم انقلاب اسلامی- کمتر از شهادت نیست، چرا که راه و رسم شهادت، راه عزت و نجات از اسارت نفس و استکبار است. و ما که از قافله عقب مانده‌ایم و مهجور از عند ربهم یرزقون، بدین‌وسیله ادای دین می‌کنیم. باشد که مقبول افتد.

۵- از شهیدان دفاع مقدس معمولاً بعد حماسی آنان بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. جنبه‌های لطیف که حکایت از روح بلند و منش و طبع کریمانه و رعایت نکات ظریف در زوایای مختلف زندگی فردی

و اجتماعی آنان دارد، کمتر انعکاس پیدا کرده. نگاه این مجموعه بیشتر معطوف همین مسئله است.

مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت در راستای اهداف ذکر شده، از اواخر سال ۱۳۸۶ ابتدا پیرامون این طرح، مطالعات شناختی را آغاز کرد و از میان موضوعات مختلف اخلاق فردی و اجتماعی، به ۳۰ موضوع که از عمومیت بیشتری در بین رزمندگان اسلام برخوردار بود رسید. سپس کار فیش‌برداری در خصوص موضوعات آغاز شد. فیش برداران ارجمند طی تلاشی شش ماهه قریب غالب کتاب‌های دفاع مقدس چاپ شده تا این را تاریخ بررسی کردند تا به خاطراتی دست یابند که؛ ۱- فقط درباره‌ی شهدای دفاع مقدس باشد. ۲- خاطره باشد و نه گونه‌های ادبی دیگر ۳- از جذابیت لازم برخوردار باشد ۴- با اهداف یاد شده متناسب باشد.

از میان کتابهای مورد بررسی، تمام خاطراتی که به دلیل تبدیل به گونه‌های دیگر ادبی دچار ضعف استناد شده بود و نیز خاطراتی که جاذبه‌ی لازم را نداشت و یا در خصوص شهدا نبود، از دور خارج شد. در مرحله‌ی بعدی فیش‌ها جهت تأیید مجدد بازخوانی شد. سپس هر فیش با توجه به موضوع آن در پوشه‌ی مخصوص خود طبقه‌بندی گردید.

مراحل بعدی کار؛ حروف‌چینی، ویرایش، تهیه فهرست موضوعی و اعلام بود که یکی پس از دیگری انجام شد.

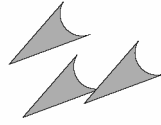
در پایان سپاسگزاری می‌کنیم از تمام حامیان این طرح که آن را بر خود فریضه دانسته و در مراحل مختلف آن مشتاقانه یاری‌رسان بودند.

و کسانی که در دریای فضایل و زیبایی‌های شهیدان غوطه خوردند، در از صدف‌ها جستند و خود به لیست گمنامان دفاع فرهنگی از انقلاب اسلامی و راه شهیدان پیوستند.

و شما خواننده‌ی گرامی، به خاطر حسن سلیقه و انتخابتان. در پایان امیدواریم این اقدام فرهنگی مرضی رضای حقتعالی و شهدای عزیز قرار گرفته و همه‌ی ما مشمول توفیقات الهی و شفاعت مردان بزرگ تاریخ انقلاب اسلامی که خاطرات زیبا و نام بلند آوازه‌شان در این کتب ثبت گردیده، باشیم. ان شاءالله.

مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت





مقدمه

از همه‌ی مردم بهتر کیست؟
رسول اعظم بهترین مردم را کسی معرفی می‌کند که:
- در حال رفعت و بلندپایگی، فروتنی و تواضع کند.
- در عین ثروتمندی، زاهد باشد.
- در عین قوت و توانایی، منصف باشد.
- در عین قدرت، شکیبایی و بردباری کند. (۱)
تواضع مایه‌ی رفعت و بلندی و عزت انسان است. تواضع،
حکمت را افزایش می‌دهد در حالی که تکبر آن را کاهش
می‌دهد. با خادم، غذا خوردن؛ با فقیران نشستن، با زیردست
رفتار مهربانانه داشتن، از تواضع است. (۲)

۱- نهج الفصاحه

۲- رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله)، نهج الفصاحه

خداوند تبارک و تعالی، یکی از ویژگی‌های بندگان خاص خود را تواضع و فروتنی به هنگام راه رفتن و پاسخ با سلامت نفس به مردم جاهل می‌داند. (۱) و نیز به مؤمنان از زبان لقمان حکیم توصیه می‌فرماید که: هرگز به تکبر و ناز از مردم رخ برمتاب و در زمین با غرور و تکبر قدم برمدار که خداوند هرگز مردم متکبر و خودستا را دوست نمی‌دارد. (۲)

تواضع در برابر تکبر و فروتنی در برابر غرور است. متکبر و مغرور نه خود را می‌شناسد و نه خدا را، اگر می‌شناخت یقیناً به هیچ چیزی متکی نمی‌شد الاً به فضل و رحمت و بزرگی خدا. نه علم، نه ثروت، نه قدرت، نه پُست و مقام، نه زیبایی و جمال و نه هر آنچه انسان می‌تواند کسب کند، هیچکدام ماندگار نیست، اگر در دل انسان ریشه نکند و با تقوای الهی ممزوج نگردد، نتیجه‌ی عکس هم می‌دهد، یعنی حجاب می‌شود در برابر چشم و گوش دل انسان. حجاب روی حجاب. تاریکی فوق تاریکی. متواضع و فروتن، می‌داند که هرچه دارد از خداست و او دوست ندارد که دیگر بندگانش بواسطه‌ی نداری، یا ناتوانی، یا زیردست بودن، تحقیر شوند. فروتنی و تواضع یعنی احترام کردن و نگهداشتن حرمت بندگان خدا و خود را به رُخ نکشیدن و فخر

۱ - سوره‌ی فرقان، آیه‌ی ۶۳

۲ - سوره‌ی لقمان، آیه‌ی ۱۸

نکردن، خدا این صفت را بسیار دوست دارد. بهمین خاطر است که رسول خدا او را بهترین مردم می‌شناسد.

رزمندگان، در عین شجاعت، در عین قدرت، در عین داشتن مقام و فرماندهی، در عین محبوبیت و مقبولیت بزرگ مردمی، با همه‌ی اینار و فداکاری، فروتن بودند و خاکی؛ با همه رفیق بودند و همراه و برادر، مهربان بودند و با محبت، شبها، در تاریکی، بدون آنکه شناخته شوند، ظرفها را و رختها را می‌شستند و کفش‌ها را واکس می‌زدند. در برابر مقررات، خود را با گمنام‌ترین بسیجی‌ها، یکسان می‌دیدند. در عین جدی بودن و فرماندهی، شکیبیا بودند و عذرپذیر، در قضاوت بین خود و زیردستان، منصف بودند و با عدالت، دقت داشتند که مقام و مسئولیت آنان را مقهور خود نسازد بلکه آنان مقام و مسئولیت را در چنگ خود داشته باشند. بطوری که بیشتر افراد حتی اعضای خانواده‌اشان، نمی‌دانستند آنان چکاره‌اند. خود را بنده‌ی خدا، خدمتگزار بسیجی‌ها، خادم مردم، سرباز امام، یاور محرومان و افتادگان می‌دانستند نه بیشتر، و این اوج تواضع و فروتنی بود و زیر پا له کردن ذره‌های غرور و تکبر و خودپسندی و خودبینی. اگر جز این بود فضل بزرگ شهادت و جانبازی در راه خدا نصیبشان نمی‌شد.

این خاطره‌ها بخش کوچکی است از بزرگی متواضعان و

فروتان جبهه‌های دفاع حق علیه باطل، که انسان در برابر آنان احساس کوچکی واقعی می‌کند. و این است معنای آن چه رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند که: تواضع مایه‌ی رفعت است، تواضع کنید تا خدا شما را بزرگ کند و رفعت بخشد. (۱)

مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت